

کارکرد تزکیه و تعلیم در تربیت انسان در تراز اسلام

رقیه تعلیمی گرده^۱

چکیده:

تزکیه و تعلیم بر اساس آموزه های قرآن کریم، دو رکن اساسی تربیت انسان هستند و در این میان، تزکیه از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا علم به منزله بذری است که رویش حقیقی و شایسته آن در گرو وجود بستری مناسب است و تزکیه همان زمینه رویش کامل این بذر است که علم بدون آن ناقص و نارسا خواهد بود و چه بسا موجب غرور و گمراهی گردد. انسان موجودی دارای عقل و آزادی و سرشار از استعدادهای خدادادی است که قابلیت تغییرات گسترده را دارد. برای رسیدن به این هدف، مهمترین نقش را تعلیم و تزکیه ایفا می کند؛ زیرا با تعلیم صحیح است که استعدادهای انسان شکوفا می شود و می توان آن را با فرهنگ انسانی و اسلامی آشنا کرد. اگر تعلیم و تزکیه با مبانی دینی و عقلی باشد، آموزش معارف، تقویت ایمان، تعهد به انجام فرائض الهی و اخلاقی اثرگذار خواهد بود، در این صورت است که تعلیم و تربیت صحیح به شخصیت انسان ها در زندگی فردی و اجتماعی با شیوه اسلامی رنگ می دهد. در پژوهش حاضر، روش کتابخانه ای و توصیفی به کار رفته است.

کلید واژه ها: تربیت اسلامی، تزکیه، تعلیم.

^۱ . طلبه سطح ۲ حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) نمین

مقدمه:

تزکیه و تعلیم نیاز ضروری بشر است به گونه‌ای که در طول حیات خود، پیوسته بدان نیازمند است. از این‌رو، از دیرباز این امر مورد توجه مربیان بزرگ و مصلحان اجتماعی بوده است. با این حال، عدم توجه به ماهیت این دو مفهوم در پاره‌ای موارد، موجب عدم بهره‌گیری از ظرفیت و جایگاه بایسته هر یک شده است: گاهی اوقات، با تمرکز و اهتمام بر یکی، از اهتمام و توجه به دیگری غفلت شده و احیاناً به تفکیک و جدایی این دو از هم و در نتیجه، بروز پیامدهای نامطلوب در روند رشد افراد جامعه شده است. به رغم اهمیت این موضوع و پیامدهای مثبت و منفی، که بر نوع برداشت از رابطه این دو مفهوم در عرصه رشد و هدایت جامعه وجود دارد، آن‌گونه که شایسته است به این موضوع پرداخته نشده است. البته برخی پژوهشگران به گونه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند. اما برخی از آنان، به انواع رابطه اشاره کرده‌اند، اما از منظر دینی موضوع را بررسی نکرده‌اند و رابطه را از نگاه آیات و روایات مورد توجه قرار نداده‌اند. برخی نگاه دینی داشته‌اند، اما به نوع رابطه و گونه‌های ممکن نپرداخته‌اند. ضمن اینکه تنها آن را از نگاه قرآن مورد توجه قرار داده، و توجهی به روایات نداشته‌اند. به چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده اشاره می‌شود.

- مقاله/تبیین رابطه تزکیه با تعلیم در فلسفه صدرایی و راهبردهای آن برای تعلیم و تربیت / مظاهری، مهدی؛ کریمی، مهدی؛ نجفی، محمد؛ بختیار نصر آبادی، حسنعلی / این پژوهش به شیوه کیفی و به روش توصیفی - تحلیلی با تبیین رابطه و بیان اقتضائات آن برای دستیابی به تعلیم و تربیتی پویا و کارآمدتر است.
- مقاله /پژوهشنامه / تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم در قرآن با استناد به منابع تفسیری / جلیل اوغلی، جلیل / سال ۱۳۸۹ / این مقاله با روش تحلیلی- توصیفی و با ذکر آیات مربوط به تزکیه و تعلیم در قرآن کریم، جایگاه، اهمیت و رابطه این دو مفهوم تربیتی قرآنی را بررسی نموده است.
- مقاله/اخلاق و تربیت قرآنی/ فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام با تکیه بر آیات قرآن کریم و نهج البلاغه/ گلستانی، سید هاشم؛ شکریان دهکردی، مریم/ سال ۱۳۸۷/ در این پژوهش با مرور آیات نورانی و هدایت بخش قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز احادیث معتبر اسلامی، فلسفه تربیتی اسلام استنباط و استخراج گردیده است.

- مقاله /تبیین نیازهای تربیتی انسان تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)/صمدی، معصومه؛ نوری، زهرا/سال ۱۴۰۰/این مقاله پژوهشی با هدف تبیین نیازهای تربیتی انسان تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) و با استفاده از تحلیلی به بررسی این مهم پرداخته است.

از این رو، مقاله حاضر ابتدا این دو مفهوم را تعریف و سپس، رابطه تزکیه و تعلیم براساس تقدم بودن تزکیه بر تعلیم در آیات و روایات و تربیت انسان تراز اسلام را به روش توصیفی مورد بررسی قرار داده است.

مفهوم شناسی

معنای لغوی تزکیه:

تزکیه از ماده «ز-ک-و» در لغت به معنای استوار ساختن و دور کردن شیء از عیب و کاستی^۱ و ایجاد رشد، برکت و طهارت^۲ در آن یا به معنای دور دانستن شیء از عیوب و گواهی به پاکی و طهارت آن است.^۳ و به معنای تطهیر نفس و مال، صلاح، تقوا، زمین پاک، مدح و ستایش و تنزیه خویش می‌باشد.^۴

معنای اصطلاحی:

تزکیه از ریشه «زکا» به معنای رشد و نمو است^۵ و از آن جا که امکان رشد منوط به نبود آفات و موانع و وجود شرایط است، در اصطلاح نیز، تزکیه، پاکی نفس از اوصاف رذیله (موانع رشد) و آرایش آن به صفات جمیله (شرایط رشد) معنا شده است.^۶

مفهوم تعلیم:

^۱ .خلیل بن احمد، ترتیب العین، ج ۵، ص ۳۹۴.

^۲ .ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۵۸.

^۳ .معلوف، لويس، المنجد، ص ۶۱۶، «زکو».

^۴ .ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۵۸.

^۵ .راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ج ۱، ص ۲۱۳.

^۶ .نراقی، احمد، معراج السعاده، ج ۱، ص ۶۵.

تعلیم از ریشه علم به معنی آگاهی است «علم درک حقیقت هر شیئی است»؛ در نظر راغب تعلیم ناشی از تکرار است. وی علم را نقیض جهل دانسته است.^۱ تعلیم با مفهوم محدود آن عبارت است از ایصال و ایجاد معلومات به اذهان شاگردان؛ تعلیم این نقش را به عهده دارد که اذهان شاگردان را با معلومات و کارایی فکری مجهز سازد. در قرآن کریم بر تعلیم کتاب و حکمت تأکید شده است. منظور از تعلیم کتاب بیان؛ الفاظ و تفسیر معانی مشکل و مشتبه آن است، در مقابل تعلیم حکمت، عبارت است از: معارف حقیقی که قرآن متضمن آن است؛ حکمت، رأی و عقیده ای است که صدقش محکم و کذبى مخلوط به آن نباشد؛ ضرری نیز به دنبال نداشته باشد. ذکر کتاب و حکمت در کنار تعلیم می تواند اشاره به شناخت بر اساس وحی و عقل داشته باشد که اینها اسباب و اساس شناخت را حاصل می کنند. «خداوند رسول گرامی را معلم حکمت خوانده، پس تعلیم قرآنی که رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) متصدی آن و بیانگر آیات آن است، تعلیم حکمت است».^۲

معنای لغوی تربیت:

واژه «تربیت» از ریشه «ربو» و از باب تفعیل است؛ چرا که کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می شود، مصدر آن ها بر وزن تفعله می شود. مانند: تربیه، تزکیه، تحلیل و ...^۳ این گونه که از سخن اهل لغت برمی آید، در این ریشه به نوعی می توان معنای زیادت و رشد را یافت و در موارد مختلف استعمال خود نیز این معنا را دارد. عربزبانان به تپه «ربوه» می گویند، چرا که نسبت به سطح زمین برآمده تر است^۴، نفس زدن را «ربو» می گویند چرا که به هنگام نفس کشیدن سینه برآمده می شود^۵ و نیز «ربا» را بدین نام نهاده اند از آن روی که بر مال، افزوده می شود.^۶

^۱ راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ۳۴۳.

^۲ طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۹، ص ۴۵۷.

^۳ محمد رضا، طباطبائی، صرف ساده، قم، دارالعلم، ص ۱۷۱.

^۴ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، ج ۲، ص ۴۸۳.

^۵ همان.

^۶ همان.

خلیل بن احمد فراهیدی، از لغت‌شناسان قرن دوم، در مورد معنای لغوی این واژه قائل است که ریشه آن به معنای زیادت هست، به عنوان نمونه وقتی می‌گوییم: رَبَّ الْجَرَحِ وَالْأَرْضِ وَالْمَالِ وَ كُلِّ شَيْءٍ يَرْبُو رَبَّوْاً هنگامی است که بدان افزوده شود و بیش از این مطلبی را بیان نمی‌دارد.^۱

معنای اصطلاحی:

استاد مطهری (رحمه الله علیه) در تعریف تربیت این‌گونه بیان می‌دارد: تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم، نه این‌که به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم.^۲

۱. رابطه تزکیه و تعلیم از دیدگاه اسلام

هدف از بعثت، نزول وحی، نزول قرآن و انگیزه تلاوت قرآن بر بشر این است که انسان‌ها تزکیه پیدا کنند و نفوسشان از ظلمات پاک شود تا بعد از پاک شدن ارواح و اذهان آنها قابلیت پیدا کند کتاب و حکمت را بفهمد؛ زیرا تا تزکیه نباشد تعلیم کتاب و حکمت ممکن نیست. پس باید نفوس از همه الودگیها به ویژه هواهای نفسانی پاکیزه شود تا زمانی که انسان در این حجابها هست نمی‌تواند قرآن را که نور است، بفهمد نور را کسانی که در حجاب هستند و پشت حجابهای زیاد هستند، نمی‌توانند درک کنند. تا انسان از حجاب بسیار ظلمانی خود خارج نشود، تا گرفتار هواهای نفسانی است تا گرفتار خودبینی‌ها است تا گرفتار چیزهایی است که در باطن نفس خود ایجاد کرده است از ظلماتی که **بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ** است لیاقت پیدا نمی‌کند که این نور الهی در قلب او منعکس بشود.^۳

۱-۱. تقدم تزکیه بر تعلیم در قرآن

^۱ خلیل بن احمد فراهیدی، العین، قم، هجرت، بی تا، دوم، ج ۸، ص ۲۸۴.

^۲ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، قم، صدرا، ج ۲۲، ص ۵۵۱.

^۳ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۸۸ - ۳۸۹.

می‌دهد. بنابراین، نه تنها عالم مری هم هست و نقش تربیتی دارد، بلکه جنبه مری بودن و تأثیر تربیتی داشتن وی بیشتر است. اینها شاهد بر جدایی‌ناپذیری تعلیم و تربیت است.^۱

۲. تربیت انسان تراز اسلام

Commented [y4]: مربوط به کدام موضوع است؟

انسان کامل در بینش اسلامی، در تقابل با رویکردهایی است که ماهیت انسان را به مرزهای زیستی و فیزیکی محدود می‌دانند و نیز در مواجهه با دیدگاه‌های رفتارگرایی که آدمی را همچون پدیده‌ای میدانند که صرفاً در قبال محرکها واکنش نشان می‌دهد، بینش تربیتی اسلام، انسان را موجودی طبیعی و ماورای طبیعت ارزیابی می‌کند.^۲

Commented [y5]: اسلام

در این راستا رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) انسان تراز **اسلام** را اینگونه معرفی می‌نماید: خشوع و تسلیم در برابر خدای رحیم، تعهد به وظایفی که بر دوش مسلمان نهاده شده است، نشاط و حرکت و اقدام در کار دین و دنیا، رحم و گذشت در تعامل با برادران، جرئت و اعتماد به نفس در برابر حوادث دشوار، امید به کمک و دستگیری خداوند در همه جا و همه چیز، و کوتاه‌سخن ساخت و پرداخت انسانی در تراز مسلمانی را در عرصه‌ی الهی، می‌توانید برای خویش تدارک ببینید و خود آراسته به این زیورها و بهره یافته از این ذخیره‌ها را برای خویش و ملت خویش و در نهایت برای امت اسلامی، سوغات برید.^۳

Commented [y6]: قالب

ویژگیهای انسان تراز اسلام شامل خصوصاتی است که در همان **قالت** تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی جای دارد که در این ساحت از تربیت نیز ارتباط با خدا، خود و دیگران قابل برداشت است و شامل: ۱. اعتقادات و اعمال عبادی، ۲. ویژگیهای اخلاقی و ۳. رفتارهای اخلاقی، (نسبت به دیگران) می‌باشد که کاملاً منطبق بر نیازهای تربیتی می‌باشد.^۴

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) یکی از مراتب تربیتی مهم انسان را تربیت اخلاقی می‌داند و تربیت اخلاقی را به هوای لطیفی تشبیه می‌کند که برای هر انسان سالمی نیاز است. اخلاق

۱. همان.

۲. موسوی خمینی، ۷۹: ۱۹۲.

۳. خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۷/۲۲.

۴. <https://www.enghelabpajoooh.ir>.

آن هوای لطیفی است که در جامعه‌ی بشری اگر وجود داشته باشد، انسان‌ها می‌توانند با تنفس آن زندگی سالمی داشته‌باشند.^۱

از دیدگاه امام خمینی انسان فطرتاً نیک آفریده شده و در عین حال می‌تواند بواسطه‌ی تربیت‌های مختلف به اسفل السافلین سقوط کند و یا به اعلی‌علیین صعود کند همانطوریکه مولوی بصورت شعر این گونه طرز تفکر را بیان کرده است: «انسان از اول اینطور نیست که فاسد بدنیا آمده باشد. از اول با فطرت خوب بدنیا آمده، با فطرت الهی بدنیا آمده، کل مولود یولد علی الفطره، که همان فطرت انسانیست، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است. این تربیت هاست که یا همین فطرت را شکوفا می‌کنند و یا جلوی شکوفایی فطرت را می‌گیرند».^۲

«کودکان از اولی که وارد می‌شوند در محیط تعلیم، یک نفوس سالم ساده و بی‌آلایش و قابل قبول هر تربیتی و هر چیزی که به آنها القاء می‌شود هستند».^۳

«این جوانها نفوسشان مستعد است از برای گرفتن هر چیزی که وارد بشود در نفوس نفوس جوانها یک آئینه صیقلی است که هنوز از آن فطرت خودش جدا نشده است و این آئینه همه چیز در آن نقش می‌شود ببندد».^۴

ضمناً امام خمینی معتقد بودند که این تربیت‌پذیری انسان به لحاظ لاحدی او محدودیت ندارد یعنی تمام انسانها حتی پیامبران و ائمه اطهار(علیهم السلام) در تمام زمانها و مکانها نیازمند تربیت(تزکیه) هستند.

«همه جمعیت دنیا احتیاج به تعلیم و تزکیه دارند. هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که من دیگر احتیاج ندارم به اینکه تعلیم بشوم و تزکیه بشوم، رسول خدا هم تا آخر احتیاج داشت، منتهی احتیاج او را خدا رفع می‌کرد».^۵

^۱. خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۴/۲۴.

^۲. امام خمینی، سخنرانی، شماره ۶۸۴، ک: صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۳-۳۵.

^۳. همان، شماره ۶۸۴.

^۴. همان، شماره ۶۷۶.

^۵. امام خمینی، سخنرانی، شماره ۸۵۹، ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۱ هـ. ش. ر. ک: صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۶-۲۳۷.

همانطوریکه گذشت به نظر امام خمینی همه خصوصیات که آدمیت انسان منوط به آن است در سایه تربیت تزکیه صحیح به منصف ظهور می رسند. تزکیه را می توان به فرایندی اطلاق کرد که به آدمی اجازه می دهد تا کیفیات ذاتی خود را شکوفا سازد.^۱

نتیجه گیری:

تعلیم و تربیت همواره دو مفهوم ملازم و همراه یکدیگرند. تعلیم عمدتاً بر جنبه شناختی انسان تأکید و تربیت بیشتر بر جنبه های غیرشناختی آن. با این حال، این مرزبندی به منزله عدم ارتباط این دو نیست؛ این دو مفهوم با هم رابطه دارند و برای این دو، انواعی از روابط قابل تصور است که از میان آنها، رابطه آمیختگی و درهم تنیدگی صائب تر به نظر می رسد. هرچند تعلیم و تربیت، از جهت مفهومی متفاوت و جدای از هم هستند، اما در مقام عمل و تحقق، این دو به هم آمیخته و منطبق بر هم هستند؛ یعنی نه هیچ تعلیم و آموزشی بدون تربیت محقق می شود و نه هیچ تربیتی بدون تعلیم امکان پذیر است. در روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز در موارد متعدد، از همراهی اثر تعلیم، یعنی علم با جلوه های تربیت سخن به میان آمده است. این امر از رابطه وثیق بین تعلیم و تربیت (تزکیه) حکایت دارد؛ از جمله به همراهی علم و هدایت، علم و ایمان و نیز تأثیر علم در تزکیه و به طور کلی، تأثیر طلب علم (تعلیم) در رشد. همچنان که برای عالم، به عنوان انسان تعلیم یافته و برخوردار از علم، صفات تربیتی از جمله امین خداوند در زمین و همچنین از نقش همنشینی با عالم در تزکیه نفس و نیکو شدن ادب سخن به میان آمده است. اینها جملگی شاهی بر رابطه پیوسته و در هم تنیده دو مفهوم تعلیم و تزکیه با یکدیگر می باشد.

^۱. همان.

منابع:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

الف - کتب فارسی:

۱. رفیعی، بهروز؛ "آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن"؛ ج ۳، قم، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سمت، ۱۳۷۹.
۲. طباطبایی، محمد حسین؛ "ترجمه تفسیر المیزان"؛ ج ۱، ۱۴، ۱۵، ۱۷ و ۱۹، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴.
۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، "العین"، قم، هجرت، بی تا.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ "اصول کافی"؛ ج ۱. ترجمه جواد مصطفوی تهران: الإسلامیه، ۱۳۶۹.
۵. طباطبایی، محمد رضا، "صرف ساده"، قم، دارالعلم، ۱۳۷۹، چهل و نهم.
۶. مطهری، مرتضی، "مجموعه آثار"، قم، صدرا، ۱۳۸۳، یازدهم.
۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ "تفسیر نمونه"؛ ج ۱ و ۲۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۸. نراقی، مهدی؛ "علم اخلاق اسلامی ترجمه جامع السعادات"؛ ج ۱، ترجمه جلال الدین مجتبی، تهران: حکمت، ۱۳۷۹.

ب- کتب عربی:

۱. الهندی المتقی، "کنز العمال"، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن فارس، احمد، "معجم مقاییس اللغة"، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام اسلامی، بی تا، اول.
۳. ابن منظور؛ "لسان العرب"؛ جلد پنجم، بیروت: مؤسسه دارالعربی، ۱۹۹۲.
۴. خوانساری، محمد، "شرح غررالحکم و درر الکلم"، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم؛ "المفردات"؛ تهران: المکتب المرتضویه، ج ۲، ۱۳۶۲.

ج- مقاله:

۱. جلیل اوغلی، جلیل، "تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم در قرآن با استناد به منابع تفسیری"، مجله رشد آموزش قرآن، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۳۱.
۲. صمدی، معصومه؛ نوری، زهرا، "تبیین نیازهای تربیتی انسان تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)"، فروردین ۱۴۰۳، شماره ۱.
۳. گلستانی، سید هاشم؛ شکیان دهکردی، مریم، "فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام با تکیه بر آیات قرآن کریم و نهج البلاغه"، مجله قرآنی کوثر، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، شماره ۲۹.
۴. همت بناری، علی، "رابطه‌ی تعلیم و تربیت با تأکید بر دیدگاه اسلام"، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۲.

د- سایت:

۱. اسلام پژوهش <https://eslampajoheshha.nashriyat.ir>
۲. انقلاب پژوه <https://www.enghelabpajoooh.ir>
۳. پرتال امام خمینی <http://www.imam-khomeini.ir>
۴. سایت نورمگز <http://www.normags.ir>
۵. سایت پژوه، برگرفته از مقاله «تزکیه نفس»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۰۳/۲۱.